



۲۰۱۴/۱۱/۱۸

سيد عبدالقدوس سيد

## «پلنگ یک» بر فراز آسمایی

حاشیه ای از جلد دوم: کتاب جنگ های کابل

**(تلفون نارنجی و دوربین قیچی)** (در سال های ۱۳۷۱ - ۱۳۷۵ شمسی (۱۹۹۲ - ۱۹۹۶م) که کابل به یک کانون شعله ور جنگ تبدیل گردیده بود، اهمیت نقاط ستراتیژیک شهر برای استفاده نظامی و تعبیه جنگ افزار ها از سوی محور های جنگ اهمیت خاص حاصل نموده بود. در این جا به یکی از این نقاط ستراتیژیک (فراز آسمایی) با اسم او پراتیفی «پلنگ یک» نگاه شتابنده ای می افکنیم:

آسمایی و شیر دروازه چون دو ستون صخره ای فلک، سقف کابل را بر دوش برداشته، با نزدیکی به خدا، با بلا گردانی و قفل بند زلزله ها در همه زمانه ها رفاه کابلیان جویده و آدم های نیک آئین کابل را، دوررادیور سینه خود در هم فشرده است. از ادیم و قدیم در کسوت سخاوتمندانه، لشکر ابر های فریه و باردار را که در طوافش می پلکیدند با ملاطفت و دعوت به ضیافت بارندگی، چاره معموری و شادابی کابل بسته است. خورشید و ماه با تمکین به این مروت همه روزه بعد از بوسه باران تیغه ها و برجستگی سینه هایش خود را در آغوش شهر انداخته است.

اما در تداوم جنگ های کابل در دوران حاکمیت دولت اسلامی، که کابل، هولناک ترین جنگ های پرکشتر را تجربه کرد، آنگاه آسمایی با تعبیه ابزار های پرکشتر و آتشی که خود به آتش فشان رگبارها و گلوله ها به مجتمع طوپ های جهنمی تبدیل گردیده بود. با تحاشی و تلازم در رکاب یکی از محور های اصلی جنگ، به مخزن بم ها و گلوله ها به لانه شیطنی و به یک کابوس شعله ور جنگ مبدل گردیده کوچکترین نشانه ای از رحم و عاطفه در جغرافیایش دیده نمی شد و خواسته بود کابل را منهدم و معدوم نماید.

مستند به گذارشات منتشره سال ۲۰۰۵م «پروژه عدالت افغانستان» و شهود معتبر که انتقال آتشبارها منجمله طوپ های ثقیل «بی ام ۲۱» به وسیله هلی کوپترها را به چشم سر به آنجا دیده اند، و هر چند علی الرغم آنکه سلاح و سامانه های ثقیل به گونه متداوم به آنجا اكمال می گردید با آنهم جنگ افزار های ثقیل و متوسط زیرین در بام آسمایی «پلنگ یک» تعبیه بوده است:

- -- بی ام ۲۱ (۱) «چهل میله» سه ضرب.
- -- بی ام ۱۴ سه ضرب.
- -- انواع طوپ های زمینی، دوازده ضرب.
- -- انواع ماشیندار های دافع هوا ۳۷ ملی متری و ۲۳ م یازده میل
- -- انواع هاوان ها، پانزده میل.
- -- انواع راکت انداز های خفیف و متوسط چهل میل.
- -- انواع زیو ها و ماشیندار های ثقیل، پی کا چهل میل.

همه این آتش افزار ها بنا بر وجود راه اکمالاتی از مهمات کافی برخوردار بودند. فرماندهی «پلنگ یک» را فرمانده «گل حیدر» یکی از مجاهدین معتمد دولت اسلامی بعهده داشت، اما فرماندهی، آتش های برنامه یی در تهاجمات نیابتی را شخص قوماندان احمد شاه مسعود یا معاونین وی قسیم فهیم، یونس قانونی عبدالله عبدالله و گاهی از سوی امر اوپراسیون که تا سال ۱۳۷۳ کرسی آنرا صالح محمد ریگستانی به عهده داشت فرماندهی می گردید. در یک تصویر نگار شده از «پلنگ یک» مبرهن می شود که قوماندان «مسعود» گوشی یک تلفونی به رنگ نارنجی را بر سامعه داشته و اجرای آتش های امحاگر را به غرب کابل امر می کند و سپس نتایج تخریب و انهدام آتش های انجام شده را به وسیله «دوربین قیچی» که مخصوص ترصد آتش های طوپچی است چون ساحر و رسول نابودی نظاره می کند، گفتی فرمانده مسعود حال دژخیمی را داشت که برگشته وضع مقتول بدست خویشتن را نظاره می کرد. مصداق بارز این حقیقت در لینگ های زیرین قابل مشاهده اند.

۱- <http://www.youtube.com/watch?v=sJ۴۶۱-rQXlp۴&feature=share>

۲- <http://www.youtube.com/watch?v=iiGA۱y۹WP۷۸>

۳- <http://www.youtube.com/watch?v=FY۹UcnWzHvo>

د پائو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

طنین نبرد های را که «پلنگ یک» در اوایل سال ۱۳۷۱ خ، بعد از شکست توطئه بار برنامه صلح سازمان ملل و به قدرت رسیدن دولت اسلامی آغاز کرده بود، تا آخر سال ۱۳۷۵ خ خاموش نگردید، «پلنگ یک» با قساوت بی نظیر، شهر و خاصاً غرب کابل را به رگبار گلوله ها و خمپاره ها می بست، گنجهار پنجه ها بر ماشه های آهنین می لغزید، غریب جنگ آوران با «نعره های تکبیر» در هم می آمیخت و «پلنگ یک» با به جولان در آمدن، امواج دیوانه وار، آتش رها می کرد و تسونامی آتش به تلاطم در می آمد آفریده های بالدار چون سیمرخ آتشین با شگافتن سقف نیلوفری بر حریم کاشانه های اهالی می نشست زنده جانها و آبادی های شهر را در کام خود خاک و خاکستر می کرد. و چنان طوفانی برپا می کرد که مانند سور اسرافیل تا ثریا می رسید. و شیر دروازه با پژواک خشمناکش طنین می انداخت و خون از دامن خورشید و مه زخم خورده بر سیمای شهر می چکید و خورشید در مسیرش از جابلقا تا جابلسا چنان اشک می ریخت که تا رسیدن به وصلت غروب فنا می شد.

همان اندازه که نقش آتشگاه «پلنگ یک» و دیگر آتشگاه ها و «پلنگ ها» در کشتار انسانی و ویرانگری کابل گسترده و بی نظیر است به همان اندازه باز آفرینی سناریو های کشتار و ویرانگری و محاسبه جان های تباہ شده و سوخته برای تاریخ از دشواری های پهناور بر خوردار است.

پروژه عدالت برای افغانستان تنها در فاصله ماه «جنوری تا ماه جون سال ۱۹۹۴» یعنی طی «شش ماه» تعداد قربانیان کابلی را «بیست و پنج هزار نفر» گزارش داده است. هرگاه این رقم در پنج سال جنگ امتداد داده شود ارقام تلفات بشمول زخم برداشته ها سر به آسمان می ساید.

اسناد میرهن می کنند که در تداوم جنگ های پنج ساله خاصاً جنگ ها، در غرب کابل، طلیعه دار اصلی فاجعه و تباہی و یکی از مخرب ترین و خونریز، ترین آن که اکثریت تلفات و تباہی را آفریده است همین «پلنگ یک» بوده است. در واقع نقش خونبار و ویرانگر «پلنگ یک» را در طول سال های جنگ نمی توان با دیگر آتشگاه ها (که شرح آن ها در صفحات قبل آمده است) قابل مقایسه تصور کرد. «پلنگ یک» نه تنها در امتداد جنگ ها، غرب کابل را نقش زمین کرد بلکه در شکست تهاجم «شورای هماهنگی» (صدراعظم حکمتیار و رشید دوستم و عبدالعلی مزاری و صبغت الله مجددی) در یازدهم ماه جدی سال ۱۳۷۲ مطابق اول جنوری سال ۱۹۹۴ م، با خواباندن اکثریت آبادی های نفس شهر، جاده میوند، شهر کهنه، ساحه چمن، مکرویان اول و شاه شهید و با وارد آوردن حد اقل تلفات یک هزار و دو صد تن از باشندگان کابل نقش بلا گردانی برای محور دولت اسلامی «برهان الدین ربانی رئیس دولت، احمد شاه مسعود، رسول سیاف و شیخ آصف محسنی «انوری» ایفا کرد.

سازمان های جزایی بین المللی کشتار، مجروحیت و تجاوز بر اتباع ملکی را در جریان جنگ ها بالاترین درجه تروریزم تعیین کرده اند.

غرب کابل و ساحه مرکزی شهر با گورستان های پر از قربانی و ویرانی گسترده و لشکر زخم برداشته ها و معلولین به عنوان خنیاگر رنج و حرمان مصیبت دیده ها و گواه انکار نا پذیر جنایت و تروریزم و نشان دهنده سنجایای هیولایی وحشت بار قوماندانان جنگ می تواند تصور گردد.



**عکس قوماندان عبدالله عبدالله در جریان سوق اداره جنگ ها در کابل**

۱- بی ام ۲۱ یا «گراد» سلاح طویچی ریاکتیوی پرتوان ضربتی و قبل از انهدام و تاراج قوت های مسلح کشور در سال ۱۳۷۱ خ به دست تنظیم های جهادگر از ثروت های دارای اهمیت دفاعی کشور بود، و ساخت آن از سوی اتحاد شوروی وقت به سال ۱۹۶۳ م برمی گردد دارای چهل میل که در چهار ردیف بالای هم گذاشته شده طول میل آن سه متر، و طول راکت ها دو متر و بیست و شش سانتی متر است، از سوی پنج نفر مرتبات در ظرف هشت دقیقه

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولۍ

آماده انداخت می گردد. منزل موثر اعظمی آن ۲۰ کیلومتر و باراکت های جدید، تا ۳۰ و ۴۵ کیلومتر و منزل اصغری انداخت آن حدود ۶۰ متر است. سرعت انداخت اوتوماتیک در بیست ثانیه چهل فیر انداخت ضربه و انفرادی آن در هر شش ثانیه یک فیر است. ساحه تخریب و کشنده پهناوری دارد. این سلاح در جنگ های کابل از جمله در یکی از مواضع آن چکاد آسمایی به اسم "پلنگ یک" بگونه وسیع استعمال گردیده است.

### عکسهای قوماندان احمد شاه مسعود در آتشگاه "پلنگ یک" در سوق و اداره آتش ها در جنگ های کاب



در عکس های فوق (بی ام ۲۱)، آتش ها و پیامد های تخریباتی آن مشاهده می شود.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ